به بهانه تغییرات در مجموعه‌ای که نباید دوباره مهجور شود

نهاد کتابخانه‌ها دیگر چند میز و قفسه نیست

مریم فضائلی
خبرنگار گروه فرهنگ

زمان زیادی از روزهایی نمی‌گذرد که کتابخانه‌های عمومی در ذهن مردم، فضایی ساکت با یک میز، نور کم و فردی نشسته درحال تورق کتاب تداعی می‌شد. شاید این تصویر هنوز در ذهن برخی وجود داشته باشد، اما به‌موضوع این نگاه در سال‌های گذشته تغییر کرده است. «نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور» با عملکرد مؤثری که داشت، توانست این تصور را اصلاح کرده و جایگاهی تازه برای کتابخانه‌ها در فرهنگ عمومی ایجاد کند.

حالا با حکمی که سیدعباس صالحی، وزیر ارشاد داده، آزاده نظریلند به‌عنوان دبیرکل هیئت‌امنای نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور منصوب شده است. کار نظریلند بسیار سخت به‌نظر می‌رسد؛ چراکه اقدامات انجام‌شده در این سه سال، آن‌قدر وسیع و گسترده بوده که کار را برای او یا هر فرد دیگری که انتخاب می‌شد، سخت می‌کند. فعالیت‌های مهدی رمضانی، دبیرکل سابق نهاد کتابخانه‌ها، تا لحظات آخر نشان از آهستیش به کار می‌دهد. سایت نهاد کتابخانه‌ها نشان از همین متوقف نشدن دارد که تا لحظات آخر، اخبار سایت به‌روز می‌شد و اقدام جدیدی در دنیای کتاب و کتابخانی انجام می‌گرفت. علاوه بر این‌ها، یکی از ویژگی‌های برجسته مدیریت مهدی رمضانی، نگاه فراجناحی و همکاری با افراد با سلایق مختلف بود. او توانست تیمی متنوع و کارآمد ایجاد کند که علاقه مشترکشان به ایران و کتاب، نقطه قوت همکاری‌هایشان بود. همین نگاه باعث شد برخی از فعالان فرهنگی حتی پیش از معرفی گزینه جایگزین، به وزیر پیشنهاد دهند که مدیریت او در نهاد حفظ شود. او به‌عنوان چهره‌ای معتدل در دوران حضورش در نهاد، اقدامات مفید و مؤثری انجام داده بود که با حضورش در دولت چهاردهم می‌توانست همان مسیر را ادامه دهد.

نهاد کتابخانه‌ها چه کرد؟

در سال‌های اخیر، نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور با هدف ارتقای فرهنگ کتابخوانی و گسترش خدمات کتابخانه‌ای، اقدامات قابل‌توجهی را برای عموم جامعه انجام داد. این اقدامات نه‌تنها در سطح ملی، بلکه در عرصه بین‌المللی نیز بازتاب‌های مثبتی داشت و نشان‌دهنده اهتمام این نهاد به توسعه فرهنگ و هنر بود. از مهم‌ترین دستاوردهای این دوره می‌توان به تلاش‌های نهاد برای تبدیل مسئله کتابخوانی به یکی از دغدغه‌های اصلی دولت اشاره کرد. در این راستا تعاملات گسترده‌ای با مجلس شورای اسلامی صورت گرفته و توجهات ویژه‌ای از سوی دولت به کتابخانه‌های عمومی جلب شد. توسعه کمی کتابخانه‌های عمومی یکی دیگر از محورهای اصلی فعالیت‌های این نهاد بوده است. ساخت کتابخانه‌های مرکزی در استان‌ها و راه‌اندازی کتابخانه‌های سیار برای دسترسی مناطق محروم به منابع کتابخانه‌ای ازجمله اقدامات شاخص در این حوزه به‌شمار می‌روند. همچنین صدور مجوز برای سال‌های مطالعه خصوصی و ارائه خدمات به عشایر از دیگر برنامه‌هایی است که در جهت گسترش عدالت فرهنگی اجرایی شده‌اند. نهاد کتابخانه‌ها به گروه‌های مختلف سنی نیز توجه ویژه‌ای داشت و تلاش کرده تمام گروه‌های سنی را جلب کند و برای آن‌ها برنامه داشته باشد. برنامه‌های مختص کودکان و نوجوانان، جشنواره کتابخوانی رضوی و برگزاری محافل ادبی و قرآنی ازجمله برنامه‌هایی بوده که موجب رونق فرهنگ مطالعه در میان نسل جوان شده است. جشنواره بین‌المللی کارتون کتاب نیز از فعالیت‌های فرهنگی بین‌المللی نهاد است که با استقبال قابل‌توجهی روبه‌رو شده است. در زمینه کارسازی و شکوفایی فرهنگ و هنر، نهاد کتابخانه‌ها گام‌های مؤثری در تربیت نیروهای متخصص و رونق فرهنگی برداشته است. همچنین در حوزه دیپلماسی فرهنگی و رسانه‌ای، فعالیت‌های انجام شده که باعث معرفی ظرفیت‌های این نهاد در عرصه بین‌الملل شده است.

و باوجود این دستاوردها، اکنون آزاده نظریلند در موقعیتی قرار گرفته که انتظارات او بالاست. او ضمن حفظ موفقیت‌های پیشین، باید برنامه‌های تازه‌ای برای گسترش خدمات کتابخانه‌ای، جذب گروه‌های مختلف اجتماعی و تقویت ارتباط نهاد با جامعه فرهنگی ارائه دهد. همچنین توسعه عدالت فرهنگی، توجه به نیازهای مناطق کم‌برخوردار و ارتباط مؤثر بین دولت و مجلس باید از اولویت‌های اصلی او باشد.

عملکرد نهاد کتابخانه‌ها طی ۳ سال

عملکرد	سال ۱۳۹۹	سال ۱۴۰۳	میزان رشد
تعداد منابع	۴۴/۷۸۸/۱۳۵	۵۱/۱۴۶/۸۴۲	رشد ۱۴ درصدی
امانات	۴/۶۶۷/۲۷۵	۳۰/۵۵۲/۹۷۲	رشد ۵۵۴ درصدی
کتابخانه‌های سیار	۲۷ واحد	۵۷ واحد	رشد ۱۱۱ درصدی
عضویت جدید	۱/۴۷۱/۲۲۲	۲/۶۷۵/۳۸۳	رشد ۸۱/۴ درصدی
فعالیت‌های فرهنگی و ترویجی	۴۱۲/۴۱۰	۷۵۶/۹۱۷	رشد ۸۴ درصدی
محافل ادبی	۲۴۰	۷۰۰	رشد ۱۹۱ درصدی
دوره‌های آموزشی	۳۵۱/۶۹۴ نفر - ساعت	۱۸۳/۲۵۰ نفر - ساعت	رشد ۹۱/۴ درصدی

مدیریت فرهنگی به جای مدیریت سلیقه‌ای

علی دهباشی
سردبیر مجله بخارا

من بیشتر با کار ایشان (مهدی رمضانی) آشنا بودم تا با شخصیتش، اما بدون شک مهدی رمضانی یکی از بهترین مدیران نهاد کتابخانه‌ها بوده است. او در سه سالی که مدیر بود، بدون هیچ تعصبی عمل کرد. رمضانی عاشق کتاب بود و من خیلی مشابهم کار او را نهارخدمت. همین‌طور مدیرعامل نهاد بود و هرچند با مسائل مختلف اداری و اجرایی دیگر، لیکن به‌مرور با حب ملایم و خورشیدی به مسائل نظر داشت و تلاش نمیبرد انجمن و تجمیع کتابداران را پاس می‌داشت. آن وجوه از شخصی که جوان بود و ایده توسعه کتابخانه‌های عمومی را در ذهن تقویت می‌کرد، موجب شد تا به هنگامی که دوست یکدل ما علیرضا مختارپور به ریاست سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران منصوب شد، نامبرده در رأس نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور قرار گیرد. مهدی با سنی جوان، تحرکی می‌یافت. تعاملی مستمر و تکنیکاری بی‌پایان دارای روحی پذیرا در این سنوات بود؛ هر جدیدی را پاس در چند دیداری که با ایشان داشتم، دیدم جقدر برای مسئله کتاب برنامه دارند. عمده توجه ایشان روی مناطق محروم بود و جتماً در این زمینه کارهای خیلی بزرگی انجام دادند. من فکر می‌کنم که باید علاوه و برنامه‌هایمان راجع به مسئله کتاب و کتابخوانی را در یک سیستم غیردولتی پیاده شود. اگر این کار را انجام دهند، قطعاً مورد حمایت مردم و اهالی کتاب هم قرار می‌گیرد.

مهمترین و شاید مؤثرترین کاری که او انجام داد، عدم تعصب در خرید کتاب بود. برای ایشان اهمیت مطلب مهم بود و هیچ‌وقت به گرایشات آدم‌ها کاری نداشت. به‌جای اینکه بگوید فلانی چه گرایشی دارد، به مسائلی مانند علاقه به ایران و ادبیات دوستی توجه می‌کرد. برخلاف ایشان، در گذشته بسیاری از کتاب‌ها خریداری نمی‌شد؛ به‌نوعی مهدی رمضانی مدیریت سلیقه‌ای نداشت و مدیریت فرهنگی بسیار قوی‌ای داشت.

ما اینجا بزرگ شده‌ایم؛ رفتن و آمدنی نیست

سیدمحمد طباطبائی
نویسنده و روزنامه‌نگار

بهار سال ۱۳۷۸ ساعت ۵ تا ۶ صبح هر روز ساعت درس خواندنم بود برای کنکور. بعد از آن شال و کلاه می‌کردم برای تمرین تنفّس در سالن تئاتر شهر کوچک‌مان. بالای سالن، کتابخانه عمومی شهر بود. هم مدرسه‌ای‌ها هر روز از صبح تا عصر می‌آمدند آنجا و درس می‌خواندند برای کنکوری که همه ما را بچاره کرده بود. طبقه پایین، من و رفقایم تمرین تئاتر می‌کردیم با سر و صدا، و طبقه بالا آن‌ها درس می‌خواندند در سکوت. تصویر من از کتابخانه عمومی شهرمان همین بود: سالن مطالعه درسی. حال آنکه مادر کتابخانه کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان فضای واقعی کتابخانه را تجربه کرده بودیم. حالا ربع قرن از روزها گذشته و تصویر کتابخانه عمومی کمی در ذهن و کمی در واقعیت تغییر کرده است. این اما تصویر فیزیکی کتابخانه است. آن روزها، کتابخانه‌های عمومی جایی بودند برای پیدا کردن کتاب خوب، به ویژه در شهرهای کوچک که کتابفروشی به معنای تخصصی آن کمتر دیده می‌شد. چند سال بعد اما اوضاع تغییر کرد و کتابخانه‌های عمومی دیگر محل پیدا کردن کتاب‌های خوب نبودند. کتاب‌های خوب بعد از انتشار با مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هم باید برای ورود به کتابخانه‌ها از مسیر سخت انتخاب عبور می‌کردند و اصطلاحاً مجبور می‌شدند تا به کتابخانه‌های عمومی راه پیدا کنند. ملاک انتخاب هم بیشتر بر مبنای سلیقه سیاسی و جناحی و نگاه سلیقه‌ای به فرهنگ بود. این رویه در اگر کاهی با تذکری بهتر می‌شد، اما وجین کتاب بر مبنای نگاه سلیقه‌ای به فرهنگ برای ورود به کتابخانه‌های عمومی به یک حق مسلّم تبدیل شده بود. ممکن است خیلی‌ها بگویند نگارنده این کلمات خلاف واقع می‌گوید، بگویند، خطا کند. این طور که نگارنده گفته، نبوده باشد. اما حالا این‌ها چه ربطی به مهدی رمضانی دارد؟ ربطش این است که مهدی رمضانی تا جایی که توانست و زورش رسید، چه در زمانی که معاون نهاد کتابخانه‌های عمومی بود و چه در دوره دبیر کلی‌اش، تلاش کرد از سخت‌گیری در انتخاب کتاب برای عرضه در کتابخانه‌های عمومی کم کند. آن ساز و کار همچنان وجود داشت و حتی ارجاع قانونی هم پیدا کرد، اما مهدی رمضانی تلاش کرد آن نگاه سلیقه‌ای به فرهنگ و حاکم شدن نگاه سیاسی در نهاد کتابخانه‌ها را کم کند. اگرچه از نهادهای بالادستی گلایه می‌شنید و از بعضی از همکارانش عدم همراهی می‌دید، اما او نگاه فرهنگی بدون سلیقه را راه دردسرتری می‌دید و می‌بینند.

تنوع موضوعی و رویکردی مجلات و نشریه‌هایی که نهاد کتابخانه‌ها در دوره مهدی رمضانی برای عرضه در کتابخانه‌ها می‌خرید می‌تواند گواه خوبی برای این ادعا باشد. یادگار دیگر او برای نهاد کتابخانه‌ها تملک ساختمان زیبای فعلی است. او با تلاش خودش توانست بال شرقی موزه پست را که بلااستفاده شده و رو به تخریب بود، با ساختمان قدیمی نهاد کتابخانه‌ها معاوضه، تملک و مرمت و بازسازی کند تا عنوان نهاد کتابخانه‌های عمومی بر ساختمانی در شأن کتاب و کتابخانه خودنمایی کند. خوش‌روبی مهدی رمضانی در عین صراحت کلامش موجب شده بود تا او با همکاران خود در کم نخست و با اهالی فرهنگ در کام بعد، رابطه خوبی برقرار کند. به طور حتم نمی‌گویم نهاد کتابخانه‌ها در دوره حضور مهدی رمضانی بی‌نقص بود، حتماً نمی‌توان نقدهایی را مطرح کرد، اما مهم تصویر و خاطره خوشی است که از او می‌ماند. حالا او کار را تحویل داده و قاعده مدیریتی هم جز این نیست. اما مهم است که کار را به چه کسی تحویل داده است. او کار را به دکتر آزاده نظر بلند تحویل داده که دانش‌آموخته کتابداری و آدینا تا کتابداری نیز است و در این حوزه خلاقیت دارد. انتخاب آزاده نظر بلند شاید به نوعی یک تزریق امید به ساختار مدیریتی است، اینکه در ساختاری که راه مدیر شدن به طور معمول، سفارش و نسبت سببی و نسبی داشتن است، او بدون هیچ سفارشی و بدون هیچ نسبت نسبی و سببی دبیر کل نهاد کتابخانه‌های عمومی شده است. برای مهدی رمضانی که اهل کتاب است، رفتنی از کتاب نیست که بخواهیم او را بدرقه کنیم و برای آزاده نظر بلند که سال‌هاست در خانواده کتاب زندگی می‌کند، آمدنی نیست که بخواهیم به استقبالش برویم. نه رفتنی است، نه آمدنی، ما اهل فرهنگ هستیم، از اینجا در فرهنگ بودیم و اینجا بزرگ شده‌ایم.

روایتی از مدیری جوان

دکتر احمد شعبانی
عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان

قرابت من با مهدی رمضانی، دبیرکل محترم نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور (۱۴۰۳-۱۴۰۰) ناشی از تمامی هایی بود که به منظور تأسیس انجمن علمی ارتقای کتابخانه‌های عمومی ایران در اواخر قرن پیشین شمسی پدید آمده، در آن دوره مهدی عزیز در منصب معاونت نهاد بود و هرچند با مسائل مختلف اداری و اجرایی دیگر، لیکن به‌مرور با حب ملایم و خورشیدی به مسائل نظر داشت و تلاش نمیبرد انجمن و تجمیع کتابداران را پاس می‌داشت. آن وجوه از شخصی که جوان بود و ایده توسعه کتابخانه‌های عمومی را در ذهن تقویت می‌کرد، موجب شد تا به هنگامی که دوست یکدل ما علیرضا مختارپور به ریاست سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران منصوب شد، نامبرده در رأس نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور قرار گیرد. مهدی با سنی جوان، تحرکی می‌یافت. تعاملی مستمر و تکنیکاری بی‌پایان دارای روحی پذیرا در این سنوات بود؛ هر جدیدی را پاس می‌داشت و هر کوششی را شایسته نیکی می‌پنداشت. در زمانی خرد به اقداماتی دست زد که شأن کتابداری ایران را تعالی بخشید. از همان روزهای مدیریت به یکباره دعوتی در وبینار برای من و برای همگان صورت پذیرفت که مایکل بالکند در رسای موضوعات کتابداری نقل سخن دارد. آن دسته اقدام که با مسائل دانشگاهی در اطلاع‌رسانی آشنایند، به نام بالکند و برجستگی این استاد گرامیام در آمریکا واقف بوده و از همان ایام عزم دوست روزهای نیکویی بهار نهاد و هرچند با مسائل مختلف اداری و اجرایی دیگر، لیکن به‌مرور با حب ملایم و خورشیدی به مسائل نظر داشت و تلاش نمیبرد انجمن و تجمیع کتابداران را پاس می‌داشت. آن وجوه از شخصی که جوان بود و ایده توسعه کتابخانه‌های عمومی را در ذهن تقویت می‌کرد، موجب شد تا به هنگامی که دوست یکدل ما علیرضا مختارپور به ریاست سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران منصوب شد، نامبرده در رأس نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور قرار گیرد. مهدی با سنی جوان، تحرکی می‌یافت. تعاملی مستمر و تکنیکاری بی‌پایان دارای روحی پذیرا در این سنوات بود؛ هر جدیدی را پاس می‌داشت و هر کوششی را شایسته نیکی می‌پنداشت. در زمانی خرد به اقداماتی دست زد که شأن کتابداری ایران را تعالی بخشید. از همان روزهای مدیریت به یکباره دعوتی در وبینار برای من و برای همگان صورت پذیرفت که مایکل بالکند در رسای موضوعات کتابداری نقل سخن دارد. آن دسته اقدام که با مسائل دانشگاهی در اطلاع‌رسانی آشنایند، به نام بالکند و برجستگی این استاد گرامیام در آمریکا واقف بوده و از همان ایام عزم دوست روزهای نیکویی بهار نهد و هرچند با مسائل مختلف اداری و اجرایی دیگر، لیکن به‌مرور با حب ملایم و خورشیدی به مسائل نظر داشت و تلاش نمیبرد انجمن و تجمیع کتابداران را پاس می‌داشت. آن وجوه از شخصی که جوان بود و ایده توسعه کتابخانه‌های عمومی را در ذهن تقویت می‌کرد، موجب شد تا به هنگامی که دوست یکدل ما علیرضا مختارپور به ریاست سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران منصوب شد، نامبرده در رأس نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور قرار گیرد. مهدی با سنی جوان، تحرکی می‌یافت. تعاملی مستمر و تکنیکاری بی‌پایان دارای روحی پذیرا در این سنوات بود؛ هر جدیدی را پاس

کتاب به خانه‌ها نزدیک‌تر می‌شود

علی‌اکبر اشعری
رئیس انجمن کتابخانه ملی

بی‌تردید امروز مطالعه‌یک از ضروریات زندگی انسان‌هاست در حالی که سال‌هاست جامعه ما در زمینه سراله مطالعه از نصاب خوبی برخوردار نیست. اما اگر یکی از دوره‌های افزایش مطالعه در میان ایرانیان را دسترس‌پذیری به کتاب بدانیم، بنظر می‌رسد در سال‌های اخیر اتفاقات مهمی در این زمینه رخ داده است.

ازجمله اقدامات ارزنده اقدامات دو نهاد «خانه کتاب و ادبیات ایران» و «نهاد کتابخانه‌های عمومی» است. اریک سر خانه کتاب و ادبیات ایران با تأسیس تلویزیون اینترنتی کتاب، فرصت جدیدی برای معرفی کتاب در قالب‌های برنامه‌های مختلف و ارتباط اصحاب نشر با مخاطبان برقرار کرد و همچنین این مؤسسه با ایجاد بازار گسترده جهانی برای عرضه کتاب با همکاری کتابفروشان، کتاب را مسترس‌پذیرتر کرده و این امکان را برای شهروندان در اقصی نقاط کشور به وجود آورد تا زنج صرف وقت برای شناسایی و تهیه کتاب برای علاقه‌مندان کاسته شود و علاقه‌مندان به خرید کتاب صرفاً با پرداخت قیمت تخفیف‌یافته کتاب و بدون پرداخت هزینه بابت حمل و نقل در محل زندگی خود به آن دسترس پیدا کند.

از سوی دیگر گسترش و ارتقای کیفیت کتاب‌خانه‌های عمومی و دسترس‌پذیر کردن کتاب به‌ویژه برای اقشاری از جامعه که در اوضاع کنونی اقتصادی امکان خرید کتاب‌های مورد نیاز خود را ندارند از کارهای بزرگی بود که نهاد کتابخانه‌های عمومی به آن همت گماشت و علاوه بر این با ایجاد برنامه‌های متنوع در کتابخانه‌ها این فضاها را از یک فضای متروک به مراکز باشاط فرهنگی تبدیل کرد.

اینک که دولت جدید به هر دلیلی تصمیم به تغییر مدیران این دو نهاد ارجمند گرفته، انتظار می‌رود مدیران جدید به‌مثابه ادامه‌دهندگان و تکمیل‌کنندگان طرح‌های پیشین و البته با همت نهادهای دیگر مؤثر در زمینه کتاب و کتابخوانی، به‌ویژه نهادهای آموزشی چهره کتاب و کتابخوانی در جامعه ما شکل مطلوبی پیدا کند.

پنجشنبه ۶ دی ۱۴۰۳
شماره ۴۳۱۴
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

درباره یک تهیه‌کننده که معلوم نشد مجازات شد یا نه؟

زندان، پایان امامی‌ها نیست

محمدحسین سلطانی
خبرنگار

حکم خوانده می‌شود: «محمد امامی به جرم اخلال کلان در نظام اقتصادی از طریق تحصیل وجه نامشروع به ۲۰ سال حبس، رد مال و انفصال از خدمات دولتی محکوم می‌شود.» امامی را به زندان می‌برند کسی که سال‌ها به عنوان تهیه‌کننده‌ای مطرح فعالیت می‌کرد. اما این حبس چندان هم طولانی نمی‌شود و چند ماه بعد مرخصی می‌رود. در شهریورماه ۱۴۰۲ عکس‌هایی از چهره سیدمحمد امامی با پیژامه در زندان دیده می‌شود. حالا آن‌هایی که شک داشتند امامی در زندان است، سؤال‌هایشان برطرف می‌شد. با بر قول دادستانی، محمد امامی از بازه مهر سال ۱۴۰۱ تا دی ۱۴۰۲ تنها یک‌بار مرخصی می‌گیرد. حدود یک سال و ۴ ماه پس از انتشار آن عکس، بعد از دی‌ماه ۱۴۰۲ هم وسایلش را جمع می‌کند و از زندان آزاد می‌شود.

شاید یکی از اولین تفرقاتی که امامی بعد از زندان به ملاقاتش می‌رود سارا باشد. سارا خواهر کوچک‌تر محمد است. خواهری که از زمان به جریان افتادن پرونده برادرش، نامش در رسانه‌ها به میان آمد. امامی به خواهرش یک هیوندای ۲۰۱۴ هدیه می‌کند. هدیه‌ای که از اموال مشکوک تهیه شده بود. با رد مال‌های حاصل‌شده از درآمد محمد امامی، طبیعتاً هدیه خواهر هم باید از او گرفته می‌شد. ماجرای هیوندا تازه آغاز ورود خواهر محمد امامی به پرونده برادر بزرگ‌تر بود. در همان دورانی که دادگاه‌ها محمد برگزار می‌شد، چهره‌سارا در رسانه‌ها منتشر شد که کنار برادر متهمش ایستاده. چند وقت بعد اکانتی در توییتر با همان اپکس به نام «سارا (خواهر سیدمحمد امامی)» شروع به دفاع از او کرد. دفاعیات اکانت منسوب به سارا به چند توییت خلاصه شد و دیگر خبری از سارا نبود. در کنار دفاعیات سارا جمعی از هنرمندان و تهیه‌کنندگان از امامی حمایت کردند که تهیه‌کننده شهرزاد را بتوانند در جریان محاکمه کمکی کرده باشند؛ اما برخی از صاحب‌های امامی و اظهاراتش در دادگاه کم‌کم طرف‌داران او را در سکوت فرو برد.

در همین گفت‌وگو، امامی خبری از ۱۷ سال زندان نبود تا اینکه دوباره نامش در محافل رسانه‌ای برده شد ولی این بار رسانه‌ای شدن ربطی به ماجرای هیوندا نداشت. او مانند برادرش تهیه‌کننده شده بود. تهیه‌کننده یک پروژه سنگین و پر هزینه به نام «اشکلون و منگول»، البته برخی از اخبار این پروژه و پلتفرم خبری مالی آن را به محمد امامی ربط می‌دادند اما خبرگزاری فارس آن را تکذیب کرد و گفت: «پلتفرم شپدا ارتباطی با محمد امامی محکوم بانک سرمایه ندارد.» این جمله را فارس به نقل از حبیب پارسایی عنوان کرد. پارسایی پیش از این هم در ماجرای تئاتر پرهزینه الیزابتونیست که بازیگرانی همچون مهناز افشار، نوید محمدزاده، هوتن شکیبا و آتیلا پسیانی در آن ایفای نقش کرده‌اند، گفت: «امامی هیچ نقشی در این اثر نداشته است» با این حال امامی مصاحبه‌های گرد و خروش را سر مایه‌گذار این نمایش دانست. چند سال بعد گویا تاریخ تکرار می‌شود و پس از آنکه پارسایی حضور امامی را در شپدا تکذیب می‌کند، حضور خواهرش در این پلتفرم به چشم می‌خورد. پلتفرمی که سرمایه‌گذار اصلی آن یکی از شرکت‌های زیرمجموعه بانک کوثرسازی است. بانک کوثرسازی خود زیرمجموعه هلدینگی است به نام گروه مالی کوثرسازی که مقابل نام رئیس آن اسم مهدی جهانگیری جا خوش کرده است. کسی که پیش از این به دلیل قاچاق حرف‌ای ارز چند سالی را در زندان گذرانده بود. البته پیش از آنکه نام این پلتفرم بشود شپدا، نامش لوتوس بود و زیر نظر شرکت ارجعی تصویرگستر پارسارگاد مشغول بود.

با نگاهی به فعالیت‌های چند سال اخیر پلتفرم شپدا، تمام آنچه محورهای فعالیت لوتوس بود در شپدا دنبال می‌شود. اینکه نسبت فعلی شپدا با پلتفرم لوتوس و مردم چه‌گونه است را باید مسئولان این پلتفرم پاسخ بدهند و افرادی که به این پلتفرم مجوز دادند اما آنچه واضح است شپدا از روی دست امامی گرته‌برداری می‌کند و آثاری چون یامداد خمار را که او به دنبال ساختش بود، روانه پخش می‌کند.

تهمّا مثال حضور امامی در سینما، تئاتر و پلتفرم‌های نمایش خانگی- آن هم در زمانی که در دهگان یا زندان بوده- به ماجرای پلتفرم شپدا و تئاتر اولیورتوئیست برنمی‌گردد و برای بررسی ماجرا باید به حدود ۱۰ سال قبل برویم. زمانی که نام امامی به‌عنوان تهیه‌کننده یکی از مهم‌ترین آثار نمایش خانگی مطرح شد. تقریباً همزمان با پرونده شهرزاد ۲ بود که پرونده بانک سرمایه به جریان افتاد. در میان روزهدندگانی که با مدیران این بانک‌رفت‌وآمد داشتند، نام سیدمحمد امامی، فرزند احمد هم به میان آمد. امامی با این روش‌ها توانسته بود راه ورود سرمایه‌های کلانی را از طریق بانک سرمایه به شرکت‌های زیر مجموعه‌اش باز کند. البته پرداخت رشوه تنها گوشه‌ای از این اتهامات بود؛ اتهاماتی که وقتی در جلسه سوم دادگاه محمد امامی مطرح شد و با قدرت پشت تریبون دادگاه علام کرد: «من به بیت‌المال یک ریال بدهکار نیستم که هیچ طلبکار نیز هستم.» وقتی امامی در دادگاه این جملات را بر زبان می‌آورد، نسام او در کنار آثاری همچون «ابد و یک‌روز» گرفته تا «خوب، بد، جلف» و «فیلم‌هایی مثل «مصادره»، «مغزهای کوچک‌زنگ‌زده»، «بیمب»، «شبی که ماه کامل شد»، «خوک» و «اتاق تاریک» قرار گرفت. کسی بعد از ماجرای دادگاه و صدور حکم، اخباری منتشر شد مبنی بر اینکه امامی بی‌خیال فعالیت سینمایی نشده است. تقریباً می‌توان گفت تمام آثاری که در پلتفرم شپدا دنبال می‌شود یک سر آن هم به سیدمحمد امامی می‌رسد. شاهد مثال این ماجرا هم داستان یامداد خمار است. پیش از آنکه ساخت یامداد خمار به تئاتر ابسورد رفتن قرار بگیرد، امامی حالی این اثر آمد. بعد از یامداد خمار خبری منتشر شد که حق اقتباس شهرزاد خریداری شده. شهرزادی که مالک آن سیدمحمد امامی است و اگر قرار باشد اقتباسی از این مجموعه به فروش برسد طبیعتاً باید با تهیه‌کننده آن تعاملی صورت بگیرد. این در حالی است که زمان فروش این اقتباس امامی در زندان بوده و معلوم نیست چگونه، با کدام وکالت و با چه مبلغی اقتباس اثر به تزک‌ها فروخته شده است.

اینکه چطور امامی توانسته از درون زندان و با وجود رد مال، شهرزاد را بفروشد، معلوم نیست ولی روی یک موضوع می‌توان قطعی نظر داد که خانواده امامی پایشان به سینما و نمایش خانگی باز شده است. خانواده‌ای که حالا به‌صورت علنی نامشان را روی پرده سینماها می‌برند و آثار پربازیگری را روانه تصویر می‌کنند. در همین مورد آخر یعنی شکول و منگول؛ بازیگرانی چون محدرضا علیمردانی، آنا محرابی، هوتن شکیبا، حامد آهنگی و سمانه پاکدل صدایشگری می‌کنند. البته اگر نگاهی به باقی آثار امامی‌ها هم بیندازیم، به‌نظر پولیشانی در این خانواده موردی ارثی است. در همان زمانی که شهرزاد پخش می‌شد، حقوق پردا حتی به بازیگرانش چندبرابر دستمزد آن بازیگران در دیگر آثار بود. با این حال وقتی ماجرای فساد امامی بر سر زبان‌ها افتاد پولپاشی دیگر اثر خود را از دست داد و تمام عوامل شهرزاد از امامی اعلام برائت کردند.

حالا امامی پس از زخم‌هایی که از دوستان و دشمنانش خورده از زندان آزاد شده است، البته به‌صورت مشروط. بر اساس گفته اصغر جهانگیر، سخنگوی قوه‌قضائیه محمد امامی با پلیوش اعاده دادرسی توسط دیوان عالی کشور و اخذ تأمین لازم فعلاً آزاد است. اگر زندانی محمد امامی معلوم نیست که او کار را دو یادو دست می‌گیرد و به جای آنکه خواهرش را جلو بفرستد خوش دارد میدان می‌شود یا نه اما امامی‌ها یک چیز را به ما ثابت می‌کنند: «زندان پایان یک امامی نیست، تا پلنترم هست فعالیت اقتصادی باید کرد.»

مدیریت فرهنگی فارغ از حاشیه و جناح‌گرایی

شهاب دارابیان
روزنامه‌نگار

مهدی رمضانی، چهره‌ای که نام او با فرهنگ و مدیریت فرهنگی گره خورده است، نمونه‌ای از مدیرانی است که در مسیر خود از هیاهوهای معمول و نگاه‌های جناحی فاصله گرفته‌اند. او که در دولت سیزدهم به‌عنوان دبیرکل نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور منصوب شد، در طول دوران مسئولیت خود نشان داد که کار و خدمت به مردم اولویت اوست، نه سیاست‌زدگی یا ترویج ایدئولوژی‌های حزبی.

در فضایی که بسیاری از مدیران فرهنگی با تغییر دولت، مسیر خود را تغییر می‌دهند یا از کار فاصله می‌گیرند، رمضانی تا آخرین ساعات مسئولیت خود دست از تلاش برنداشت. او نشان داد که می‌توان بدون توجه به نگاه‌های سیاسی و جناحی، به اهدافی بزرگ‌تر چشم‌دوخت و در راستای تحقق آن‌ها گام برداشت. نگاهی که او در مدیریت خود داشت- به ماجرای آن همان فرهنگ کاری است که جامعه امروز ما به شدت به آن نیاز مند است: تمرکز بر اهداف، تحمل شنیدن نظر مخالف، و تلاش برای تغییرات بنیادین به جای درگیر شدن در روزمرگی‌ها.

ویژگی مهم رمضانی، دوری از حاشیه بود. او مدیری نبود که وقت خود را صرف پاسخ به جنجال‌ها یا شرکت در بازی‌های رسانه‌ای کند، بلکه سرش در کار خودش بود و همه توان خود را صرف پیشبرد اهداف نهاد کتابخانه‌ها کرد. این رویکرد نه‌تنها نشان از جدیت او در کار داشت، بلکه الگویی برای دیگر مدیران فرهنگی است که باید یاد بگیرند چگونه می‌توان بدون توجه به فشارهای بیرونی، به خدمت و کار ادامه داد.

آنچه رمضانی را متمایز می‌کرد، عدم وابستگی به نگاه‌های حزبی و گروهی بود. در دورانی که سیاست و فرهنگ بیش از هر زمان دیگری به هم گره خورده‌اند، او نشان داد که مدیریت فرهنگی می‌تواند فارغ از جناح‌گرایی و ایدئولوژی‌زدگی باشد. این نگاه باعث می‌شد نه‌تنها موجب احترام به نظرات مخالف شد، بلکه توانست مسیر تغییر و تحول را هموار کند.

رمضانی به یاد آوری کرد که مدیریت فرهنگی چیزی فراتر از تصمیم‌گیری‌های سیاسی است. او با کارنامه‌ای که از خود به جا گذاشت، این پیام را به همگان داد که تغییر و تحول در حوزه فرهنگ تنها زمانی ممکن است که نگاه‌ها به جای منافع شخصی و حزبی، به نیازهای واقعی جامعه معطوف شود.

اکنون که مراسم تودیع او برگزار می‌شود، شاید بهترین زمان برای روبه‌رو کارنامه مدیریتی و فرهنگی او باشد. کارنامه‌ای که با تمرکز بر کار و دوری از حاشیه، به الگویی برای مدیریت در فضای فرهنگی کشور بدل شده است. رمضانی رفت، اما راه و نگاه او همچنان می‌تواند چراغ راه مدیرانی باشد که به دنبال تغییرات واقعی و ماندگارند. برای او در ادامه مسیر خدمت آرزوی سربلندی می‌کنم.

وقتی کتابخانه‌ها میزبان نشاط فرهنگی می‌شوند

محمد حقی
مدیر انتشارات کتابستان معرفت

نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور در دولت آقای رئیسی یکی از بخش‌های موفق به شمار می‌رود. در این دوره سه‌سال، توسعه در حوزه فیزیکی و خدماتی به‌طور همزمان رخ داد. تجربه‌های عینی در شهرهایی نظیر قم که کتابخانه‌های مجهز و فعال دارد، گواه این موفقیت است. در کتابخانه‌های این شهر، بیش از ۳۰ فعالیت متنوع از مدیریت مخزن و منابع گرفته تا برنامه‌های آموزشی و خدمات مختص کودکان و نوجوانان اجرایی شود. این تنوع فعالیت‌ها، یکی از نقاط عطف تاریخی نهاد کتابخانه‌ها را رقم زده است.

یکی از مهم‌ترین اقدامات مثبت دبیرکل نهاد، تجهیز مخازن کتابخانه‌ها بود. اگرچه در سال‌های گذشته این روند با افت خیلی همراه شده بود، اما در دوره اجرایی این کمبودها جبران شد و مخازن کتابخانه‌ها به‌روزرسانی شدند، به‌نحوی که این کاستی‌ها دیگر به چشم نمی‌آیند.

در برنامه‌های متعددی که نهاد برگزار کرده، استقبال چشمگیر اهالی فرهنگ و عموم مردم مشهود بوده است. بخشی از این موفقیت به تلاش‌های مدیرکل‌های استانی بازمی‌گردد که با فعالیت‌های شبانه‌روزی خود، جامعه را به سمت کتابخوانی سوق دادند. چنین اقبالی نشان می‌دهد که نهاد کتابخانه‌ها در رسیدن به اهداف خود موفق عمل کرده است. یکی از حوزه‌هایی که نهاد در آن به‌طور تخصصی فعالیت کرد، جذب خانواده‌ها، کودکان و نوجوانان بود. آمارها نشان‌دهنده رشد مشهود عضویت در کتابخانه‌ها است.